

اسدالله غلامپور: | تیغ نرخ برتن زخمی پتروشیمی



اسدالله غلامپور / کارناس صنعت پتروشیمی: آیا هابهای پتروشیمی ایران، به شهرهای سوخته تبدیل میشوند؟ آیا صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پتروشیمی، فدای سودآوری چند انحصارگر (مثلاً در تولید یوتیلیتی) می‌شود؟ آیا ناقوس مرگ پتروشیمی‌ها با ناکارآمدی مدیران بالادستی، به صدای در می‌آید؟ روی پل اقتصاد و صنعت، چه کسی ایستاده است و در صدد تخریب چیست؟

سهم منابع انرژی‌های فسیلی به‌عنوان خوراک پتروشیمی‌ها در جهان حدود ۱۵ درصد است، درحالی‌که سهم کشورمان از منابع هیدروکربوری جهان حدود ۱۷ درصد است. انتظار می‌رود ظرفیت اسمی صنعت پتروشیمی ایران در صورت اجرای کامل طرح‌های توسعه‌ای تا پایان برنامه هفتم توسعه به حدود ۱۴۱ میلیون تن و تا پایان برنامه هشتم توسعه به حدود

۲۰۰ میلیون تن برسد، اما افسوس با تصمیمات اخیر نرخ خوراک و یوتیلیتی، امکان رسیدن به این مهم دور از دسترس است.

در پایان سال ۱۴۰۱ وضعیت تولید و فروش در صنعت پتروشیمی به این صورت بوده است که کل ظرفیت اسمی حدود ۵ / ۹۱ میلیون تن، کل تولید واقعی حدود ۳ / ۶۹ میلیون تن بوده که در نتیجه حدود ۷۶ درصد از ظرفیت نصب شده استفاده شده و عدم استفاده از ظرفیت تولید به وضوح دیده می شود.

از مقدار کل محصولات تولید شده پتروشیمی، حدود ۵ / ۴۹ میلیون تن به فروش رسیده که ۵ / ۱۱ میلیون تن فروش بین مجتمعی و ۳۸ میلیون تن نیز خالص مقدار قابل فروش بوده است. از میزان خالص قابل فروش مقدار ۶ / ۲۷ میلیون تن صادرات صورت گرفته و ۴ / ۱۰ میلیون تن نیز در بازار داخل به فروش رسیده است. همچنین صادرات محصولات پتروشیمی با همه تنگناهای موجود و تحریم های ظالمانه، در سال ۱۴۰۰ به میزان ۵ / ۲۵ میلیون تن و از نظر ارزش صادرات مبلغ ۸ / ۱۴ میلیارد دلار بوده است. میزان صادرات برای سال ۱۴۰۱ به میزان ۶ / ۲۷ میلیون تن و به مبلغ حدود ۱۶ میلیارد دلار بوده است. در یک بررسی اجمالی ارزش صادرات محصولات پتروشیمی از سال ۱۳۹۷ لغایت پایان سال ۱۴۰۱ حدود ۶ / ۶۰ میلیارد دلار را نشان می دهد که بیشترین رقم مربوط به سال ۱۴۰۱ به مبلغ ۱۶ میلیارد دلار بوده است. همچنین ارزش صادرات غیرنفتی بدون احتساب میعانات از سال ۱۳۹۷ لغایت پایان سال ۱۴۰۱ مبلغ ۲۲۲ میلیارد دلار بوده که بیشترین آن مربوط به سال ۱۴۰۱ و به مبلغ ۵۳ میلیارد دلار بوده است.

به عبارت دیگر سهم شرکت های پتروشیمی از صادرات غیرنفتی در سال های ۱۳۹۷ تا پایان سال ۱۴۰۱ حدود ۳ / ۲۷ درصد از کل بوده است. همچنین شرکت های پتروشیمی در سال های ۱۳۹۷ لغایت پایان سال ۱۴۰۱ حدود مبلغ ۶ / ۶۰ میلیارد دلار صادرات داشته که مبلغ ۷ / ۴۸ میلیارد دلار آن را در سامانه نیما عرضه کرده اند. به عبارت دیگر شرکت های پتروشیمی بالغ بر ۸۱ درصد از ارزش صادرات خود را در سامانه نیما معرفی و به فروش رسانده اند. ما به التفاوت بین مبلغ کل ارزش صادرات یعنی ۶ / ۶۰ میلیارد دلار با مبلغ اظهار و به فروش رسیده در سامانه نیما به معنای مبلغ ۷ / ۴۸ میلیارد دلار؛ مبلغ تقریبی ۸۴۴ / ۱۱ میلیارد دلار است که آن هم در داخل پتروشیمی ها برای تامین قطعات، تجهیزات، کاتالیست، مواد اولیه و بازپرداخت اقساط فاینانس استفاده شده است. در واقع صنعت پتروشیمی در اوج سال های تحریم به طور میانگین سالانه حدود ۱۲ میلیارد دلار درآمد صادراتی داشته و حدود ۸ / ۵ میلیارد دلار صرفه جویی در واردات و حدود ۸ / ۹ میلیارد دلار ارزش به سامانه نیما

واریز کرده است. تاثیرات اقتصادی شرکت‌های پتروشیمی در اقتصاد ملی در اوج سال‌های تحریم از ۱۳۹۷ لغایت پایان سال ۱۴۰۱ حداقل به شرح زیر بوده است:

- (۱) صادرات محصولات پتروشیمی به ارزش بیش از ۶۱ میلیارد دلار.
- (۲) تامین بیش از ۲۷ میلیون تن ماده اولیه صنایع پایین‌دستی به ارزش ۲۶ میلیارد دلار.
- (۳) تامین بیش از ۱۲ میلیون تن کود شیمیایی اوره با قیمت‌های تخفیفی و به ارزش تقریبی ۳/۲ میلیارد دلار برای بخش کشاورزی.
- با این‌همه خدمات قابل قبول، شرکت‌های پتروشیمی و با همه بی‌مهری‌های صورت گرفته با آنها، با وضعیت زیر مواجه بوده‌اند:
- (۱) طی پنج سال گذشته کلاً اجازه مصرف ۸/۱۲ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی خود را برای هزینه‌های جاری و توسعه‌ای داشته‌اند.
- (۲) به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، در تامین مالی خارجی و جذب مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی با موانع و مشکلات زیادی روبه‌رو بوده‌اند.
- (۳) دولت در فروش خوراکی‌های مایع که مهم‌ترین فاکتور در جذب سرمایه‌گذاری هستند، هیچ تفاوتی بین شرکت‌های مصرف‌کننده داخلی و خریداران خارجی قائل نشده است.
- (۴) در مورد شرکت‌های پتروشیمی برای تامین خوراک خود، با وجود تاثیرات قیمت‌گار در اروپا، در فرمول مصوب، گران‌ترین قیمت خوراک گاز در منطقه مدنظر قرار گرفته شد.
- (۵) تمامی مشوق‌های مالیاتی از سوی دولت و مجلس حذف شده‌اند. حتی مناطق ویژه نیز دیگر مزیتی برای سرمایه‌گذاری به حساب نمی‌آیند.
- (۶) بیش از ۲۲ میلیون تن ظرفیت تولید از دست رفته در صنعت پتروشیمی، ناشی از کمبود و مشکلات مربوط به خوراک، سرمایه‌گذاری و حذف مشوق‌ها است.
- (۷) هیچ برنامه مشخصی از سوی دولت برای تسویه مطالبات شرکت‌های پتروشیمی تولیدکننده اوره وجود ندارد.

۸) به دلیل سیاست‌های ارزی دستوری با حجم زیادی از تقاضای داخلی خرید محصولات پتروشیمی مواجه هستیم که بعضاً با سوداگری و خروج از کشور، بازار خارجی شرکت‌های پتروشیمی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند.

عمده مشکلات فوق زمانی ایجاد شد که دولت در قیمت‌گذاری خوراک و یوتیلیتی، خارج از قانون مصوب مجلس عمل کرده و برخلاف دنیای نفت و گاز، روش غیرمنطقی خویش را در پیش گرفت.

خوراک مورد استفاده در صنعت پتروشیمی دو دسته هستند؛ یک دسته خوراک‌های گازی است که عمدتاً شامل گاز طبیعی و اتان می‌شود و دسته دوم نیز خوراک‌های مایع همانند نفتا، میعانات و NGL و سایر خوراک‌ها. طبق قانون قیمت خوراک متناسب با میانگین وزنی، نیاز مصرف داخلی و واردات و صادرات و البته با رعایت امکان رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی و نهایتاً جذب سرمایه‌گذاری تعیین شده بود، بنابراین نرخ خوراک باید بر این اساس توسط وزارت نفت ابلاغ شود. وزارت نفت در پایان سال ۱۳۹۴ نرخ گاز را بر اساس قانون فوق تعیین و شاخصی ارائه کرد که ۵۰ درصد آن بر اساس میانگین وزنی مصارف داخلی و ۵۰ درصد آن بر اساس نرخ هاب‌های بین‌المللی بود. آنچه مسلم است قیمت‌گذاری نرخ خوراک پتروشیمی‌ها با اهتمام به امکان رقابت‌پذیری محصولات پتروشیمی‌ها باید ملاک عمل قانون‌گذار باشد و نه رقابت‌پذیری نرخ خوراک، لیکن وزارت نفت مبنای قیمت‌گذاری را میانگین قیمت‌های چهار هاب که شامل دو هاب از منطقه تولیدکنندگان گاز طبیعی و دو هاب از مصرف‌کنندگان گاز طبیعی است، قرار داد. این در حالی است که طبق گزارش‌های بین‌المللی موجود، حدود ۴۰ درصد از گاز اروپا صرفاً از سوی روسیه و آنهم با هزینه‌های حمل بسیار بالا تامین می‌شد و در هاب اروپا معامله می‌شود. در فرمول قیمت‌گذاری وزارت نفت وزن دو هاب اروپایی شامل NBC انگلیس و TTF هلند، حدود ۲۵ درصد قرارگرفته و وزن دو هاب Alberta کانادا و Henry Hub آمریکا نیز دارای وزن ۲۵ درصدی است. نکته حائز اهمیت وجود هاب‌های خارجی و وزن بالای آن در قیمت‌گذاری نرخ خوراک است زیرا هاب‌های اروپایی نمی‌توانند در تعیین نرخ خوراک، مبنای باشند؛ چراکه مهم‌ترین و بیشترین وزن قیمت در این هاب‌ها، هزینه و نرخ انتقال گاز است و این مساله مهم‌ترین علت نادرستی چگونگی قیمت‌گذاری قیمت خوراک از سوی وزارت نفت است.

علاوه بر این، عدم تبعیت قیمت‌گذاری گاز اتان از همین قانون نیز موضوع تعجب برانگیز دیگر است، یعنی هرچند در تعیین فرمول قیمت خوراک گازی، قیمت‌هاب‌های اروپایی و مصارف داخلی مبنای

قیمت‌گذاری قرار گرفتند؛ این قیمت‌گذاری در مورد گاز اتان، به گونه‌ای دیگر صورت گرفته است. در حالی که اساس قانون در هر دو مورد یکی است و آنهم جزء ۴ بندالف ماده یک قانون تنظیم مقررات دولت است، زیرا به اذعان کارشناسان قیمت‌گذاری باید بر اساس جزء ۴ صورت بگیرد، در این صورت امکان کنترل نوسانات بین‌المللی بازار وجود دارد. از اینجا دو برداشت مختلف از قانون صورت گرفته است. با بررسی دقیق این موضوع می‌توان به سه صراحت گفت که وزارت نفت، قانون مصوب مجلس در تعیین نرخ خوراک را ناصحیح اجرا کرده است و به عبارت دیگر وزارت نفت در تعیین فرمول برای انواع خوراکی‌های گازی و مایع یکسان عمل نکرده است. وزارت نفت به عنوان مجری قانون، موظف بوده که قیمت خوراکی‌های مایع و گازی را با شاخص‌ها تعیین شده در قانون رعایت کند و همانگونه که در بالا اشاره شد، رقابت‌پذیری بین‌المللی محصولات پتروشیمی کشور، یکی از مهم‌ترین ارکان قانون مذکور است که برای رسیدن به این منظور قیمت خوراک باید به گونه‌ای تعیین شود که امکان رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی برای تولیدکنندگان داخلی وجود داشته باشد. یک نکته حائز اهمیت وجود دارد و آنهم وجود تورم بالا و نوسان شدید و افزایشی نرخ ارز در کشور است که موجب افزایش حاشیه سود شرکت‌های پتروشیمی و آنهم تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات پتروشیمی شده است، این موضوع در دیدگاه تصمیم‌سازان موجب ایجاد شائبه وجود رانت در صنعت پتروشیمی شده است. البته چنانچه ثبت اسناد حسابداری در این شرکت‌ها به گونه‌ای باشد که بر اساس بهای اسمی نبوده و همانند اغلب دنیا و مطابق استانداردهای حسابداری ثبت بر اساس بهای منصفانه و با روشی صورت پذیرد که با افزایش نرخ ارز، هزینه استهلاک نیز افزایش یابد و افزایش هزینه استهلاک منجر به کاهش حاشیه سود شرکت‌ها شود، دیگر شائبه وجود رانت در خوراک تخصیصی به صنعت پتروشیمی نیز از بین می‌رود.

اگر ارزش دارایی‌های شرکت‌های پتروشیمی، به قیمت روز مورد ارزیابی قرار گیرد و همچنین هزینه استهلاک شرکت‌ها به قیمت منصفانه در صورت‌های مالی آنها ثبت شود، میانگین حاشیه سود شرکت‌های پتروشیمی بسیار پایین‌تر از آن رقمی است که تاکنون افشا شده است.

نتیجه گیری

کمیود و افزایش غیراصولی نرخ خوراک و یوتیلیتی و تعمیرات و اشکالات فنی و فرآیندی، مهم‌ترین دلیل نرسیدن به ظرفیت اسمی در صنعت پتروشیمی و همچنین زیان‌آوری و تعطیلی شرکت‌های متانول و اوره‌ساز است. افزایش مکرر و ناموزون نرخ خوراک و یوتیلیتی

نه تنها موجب زیان دو صنعت بزرگ متانول و اوره ساز کشور شده است که انتظار می رود در صورت ادامه این روند و عدم اصلاح منطقی نرخ خوراک و یوتیلیتی، به زودی شاهد زیان شرکت های الفینی و آروماتیکی نیز بوده و غم انگیزتر اینکه دیگر هیچ سرمایه گذاری؛ چه داخلی و چه خارجی به علت نبود افق روشن از بازدهی سرمایه گذاری، رغبتی به حضور در صنعت پتروشیمی ایران نخواهد داشت و به زودی شاهد هاب های صنعتی، با تلی از تجهیزات و ماشین آلات و... ضایعات خواهیم بود. به یاد داشته باشیم که نقش تحریم های خود ساخته و طرح های بدون پشتوانه توجیهات فنی اقتصادی، از تحریم های طالمانه غرب بیشتر نباشد کمتر نیست.